

## ۱۲. مشارکت سیاسی اقلیت های دینی و مذهبی در نظام سیاسی اسلام

### قانون اساسی ج.ا. ایران

#### در قانون اساسی نسبت به اقلیت های قومی آمده:

« اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند. و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود».

این مفاد، مورد موافقت قطعی شرعی و فقهی است.

و در اصل بیستم چنین می خوانیم:

«همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

مطابق ادامه این اصل موازین اسلام تعیین کننده حدود مشارکت سیاسی اقلیت ها است و از پیش خود اثباتی ندارد. بند اول آن نیز - به تشخیص ما - امری تاسیسی را ثابت نمی کند.

در اصل ۲۶ بر آزادی و فعالیت های دینی شناخته شده، تاکید دارد.<sup>۱</sup> قید «دینی شناخته شده» هم نمی تواند مفهوم نداشته باشد یا لا اقل راه را برای مفهوم گیری باز می کند! تامل شود.

**اصل سیزدهم:** «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند».

این اصل ارتباط مستقیم با مشارکت سیاسی ندارد لکن قرارداد آن در کنار اصل ۲۶ دامنه مشارکت سیاسی را نیز مشخص می سازد.

**اصل ۱۲** نیز بی ارتباط با موضوع مورد گفتگو نیست. اصل این است:

«دین رسمی ایران، اسلام و مذهب، جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان، آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن، در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

۱. متن اصل ۲۶ این است: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی وانجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن ها مجبور ساخت».

در اصل ۶۴ نیز از حضور یک نماینده از هرکدام از زرتشتیان و کلیمیان و از مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و از مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده در مجلس صحبت میشود.

### مشارکت سیاسی اقلیت ها، تحلیل قانون اساسی ج.ا. ایران و بیان دیدگاه فقه و شریعت

در قانون مزبور محکماتی وجود دارد که متشابهات آن را باید با توجه به محکماتش تفسیر کرد.

مثلاً

• «در حمایت قانون بودن» (قسمت اول اصل بیستم) و دفاع قانون از شئون مختلف شهروندان ایران از محکمات آن است، و این نکته ای است که مورد تسالم فقیهان اسلام نیز قرار دارد؛ به همین دلیل در رسیدگی به دعاوی ، همه اطراف دعوا در اجرای قانون باید یکسان دیده شوند؛ هر چند در تشریفات شکلی، برخی گفتگوها وجود دارد. به عنوان مثال شهید اول و شهید ثانی در متن ممزوج لمعه و روضه<sup>۲</sup> فرموده اند:

«تجب علی القاضی التسویة بین الخصمین فی الکلام معهما والسلام علیهما و رده اذا سلماً والنظر الیهما و غیرها من انواع الاکرام کالاذن فی الدخول و القیام و المجلس و طلاقة الوجه و الانصات لکلامهما و الانصاف لکل منهما اذا وقع منه ما یقتضیه هذا هو المشهور بین الاصحاب و ذهب سائر و العلامة فی المختلف الی ان التسویة بینهما مستحبة عملاً باصالة البرائة و استضعافاً لمستند الوجوب هذا اذا کانا مسلمین او کافرین و لو کان احدهما مسلماً والاخر کافراً کان له ان یرفع المسلم علی الکافر فی المجالس رفعا صوریاً او معنویاً کقربه الی القاضی او علی یمینه کما جلس علی علیه الصلوة و السلام بجنب شریح فی خصومة له مع یهودی و ان یجلس المسلم مع قیام الکافر. و هل تجب التسویة بینهما فیما عدا ذلك؟ ظاهر العبارة و غیرها ذلك و یحتمل تعدیه الی غیره من وجوه الاکرام و لا تجب التسویة بین الخصمین مطلقاً فی الميل القلبي اذ لا غضاضة فیهِ علی الناقص و لا اذلال للمتصف لعدم اطلاعهما و لا غیرهما علیه نعم یتحب التسویة فیهِ ما امکن».

• لکن ادامه اصل که از حقوق انسانی، سیاسی، و ... در چارچوب موازین اسلام صحبت می کند و منظور از اسلام هم در وقت اجرا و عمل و عینیت دادن اسلام، آرای فقیهان است، این اصل در مجال ابهام طی طریق می کند!

• اصل بیست و ششم نیز از محکمات قانون اساسی است و وجهی برای تردید در مفهوم داشتن آن نیست. قاعدتاً نظر قانون گذار نسبت به اقلیت های دیگر (که البته بر اساس گفتمان تدوین کنندگان قانون اساسی اقلیت های دینی نیستند و هر عنوان دینی انتخاب کنند، دینی نمی شناختند) اجازه مشارکت میدهد لکن نباید از عنوانی خارج از آن چه قانون اساسی به رسمیت شناخته بهره برند. این گروه ها می توانند بدون استفاده از عناوین دینی - به زعم خود - فعالیت داشته باشند. دقت شود.